

روایتی به مناسبت سی و هفتمین سالگرد حضور رابرت مک فارلین در تهران

روز چهارم خرداد 1365 در فرودگاه مهرآباد تهران هواپیمایی به زمین نشست. مسافران این هواپیما رابرت مک فارلین مشاور امنیت پیشین رییس جمهور آمریکا، سرهنگ اولیور نورث، "جرج کیو"، "هوارد تیچر"، "آمیرام نیر" و یک مسئول مخابرات "سیا" بودند که با گذرنامه های ایرلندی وارد فرودگاه مهرآباد تهران شدند.

خبر این سفر و مذاکرات میان هیات آمریکایی و مقامات ایرانی تا چهارماه بعد به هیچ وجه منتشر نشد. درآبان ماه بعد از آن که روزنامه الشراع خبر این گفتوگوها را منتشرکرد هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه آن واقعه را به روایت خویش بازگو کرد. روایتی که بنا به شواهد موجود با واقعیت تطابق چندانی نداشت. هاشمی فقط بخشی از واقعیت ها را بازگو کرد.

اما واقعیت چگونه بود. برای آگاهی از واقعیت ماجرا لازم است تا کمی به عقب بازگردیم و به اختصار روابط دوکشور را از بعد از پایان ماجرای گروگان ها و امضای قرارداد الجزایر میان دوکشور به اختصار بیان کنیم.

از بعد از آزادی گروگان های آمریکایی به این سو روابط ایران و آمریکا وارد مرحله جدیدی شد. این روابط شباهت زیادی به روابط غرب و شرق در دوران جنگ سرد دارد. مهم ترین مشخصه این سیاست تعارض و تناقض در سیاست های رسمی اعلام شده و مواضع مقامات دو طرف در مقابل یکدیگر در صحنه رسانه های ارتباط جمعی با گفت وگوها و توافقات به عمل آمده در مذاکرات مخفی و اعلام نشده مقامات نه چندان بلندپایه دو کشور است.

واقعیت قضیه این بود که ایران و آمریکا علی رغم وجود اختلافات بسیاری که میانشان بود هیچ کدام مایل به از دست دادن طرف مقابل نبودند. آمریکایی ها به رغم موضع ضد امپریالیستی انقلابیون ایران که اوج آن را در تصرف سفارت آمریکا در تهران شاهد بودند، به رغم حمله نظامی به ایران در طبس، نمیخواستند که ایران را از دست بدهند. تلاش آمریکا نه حمایت و تائید اقدامات و عملکرد ایران و نه از دست دادن یکسره ایران، بلکه کنترل ایران بود. در این دوران دولت آمریکا از یک سو تلاش می کرد تا با در پیش گرفتن سیاست هایی همچون عملیات استانچ ایران را از دستیابی به تجهیزات نظامی که سرنوشت جنگ را به نفع ایران رقم بزند مانع شود و از سوی دیگر به توصیه برژینسکی که می گفت: " موقعیت استراتژیک ایران آن چنان برای غرب اهمیت

دارد که آمریکا بایستی به هر ترتیب شده حتی با اقدام نظامی جلو این که غرب ایران را از دست بدهد بگیرد. "(اطلاعات 62/1/28) عمل کند.

در سوی مقابل هم مقامات ایرانی به جز آن که عدول از شعارهای ضد آمریکایی را مخالف اهداف انقلاب می‌دانستند، با مشاهده تحرکات و اقدامات آمریکایی‌ها در مقابله با انقلاب اسلامی، طبیعتاً به سوی مقابله هرچه جدی‌تر با آمریکا و منافع این کشور نه تنها در ایران و خاورمیانه بلکه در دیگر نقاط جهان حرکت می‌کردند. با این حال یک مساله موجب می‌شد که مواضع ایران در قبال دشمن اصلی‌اش با تغییراتی همراه شود. ساختار ارتش ایران ساختاری آمریکایی بود و با سلاح‌های آمریکایی تجهیز شده بود. در سال 1362 با گذشت بیش از سه سال از حمله عراق به ایران تجهیزات به جا مانده از قبل روبه کاستی گذاشته بود. هواپیماها، تانک‌ها، تجهیزات ضدهوایی و... نیاز به قطعات یدکی و مهمات داشتند. قطعات و مهماتی که جز از طریق آمریکا و با اجازه دولت مزبور امکان تامین آنها وجود نداشت. این ضرورت‌ها بود که دو طرف را به سمت مذاکره و گفت‌وگو کشانید.

پیش از شروع مذاکرات در کنار جنگ روانی و تبلیغاتی دو طرف علیه یکدیگر، در اسفند 1361 وزارت خارجه آمریکا عملیات موسوم به استانچ stunch را آغاز کرد. هدف از این عملیات عبارت بود از: بازداشتن کشورها از فروش سلاح و تجهیزات نظامی به ایران. بنا به گزارشی که به گزارش کمیسیون تاور شهرت یافت: این طرح به دنبال گزارش‌های متعددی مبنی بر فروش سلاح از سوی کشورهای همچون کره جنوبی، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، آرژانتین، چین، اسرائیل، انگلیس، سوئیس و آلمان غربی به ایران (The Iran-contra-p379) به اجرا درآمد. این تصمیم در حالی اتخاذ شده بود که دو سال پیش از آن آمریکا دولت اسرائیل اجازه داد بود قطعات جنگنده‌های مورد نیاز را به ایران ارسال نماید. (The Iran-contra-p381)

گزارش مشروحی از اخباری که در این مورد در قانون استانچ به آن اشاره شده بود در تابستان 1983 در مجله تایم به چاپ رسید: "هر سال صدها میلیون دلار تجهیزات نظامی آمریکایی علی‌رغم تحریم نظامی به ایران فروخته شده است. شرکت‌های آمریکایی از طریق دلالتان اسلحه و همچنین از طریق کشورهای ثالث همچون کره جنوبی و اسرائیل به فروش و ارسال اسلحه به ایران اقدام می‌کردند." (Time 7/2/83)

بهرغم انتشار اخباری که قانون مزبور برای جلوگیری از آن به تصویب رسیده بود، از اواسط سال 1362 دو طرف در پی یافتن راه‌هایی برای گفت‌وگو بودند. از جمله نخستین ارتباطات، رابطه‌ای بود که میان محسن کنگرلو مشاور و معاون امنیتی - اطلاعاتی

نخست وزیر و فردی به نام منوچهر قربانی فر برقرار شد. به گفته کنگرلو: "یک ایرانی که در پاریس زندگی می کرد ... قربانی فر را به من معرفی کرد." (شرق 93/2/15)

منوچهر قربانی فر هم از جمله عوامل ساواک بود که بعد از انقلاب به خارج رفته بود و به کار دلالتی سلاح اشتغال داشت. او بعد از انقلاب به دلیل مشارکت در کودتای نوژه به اعدام محکوم شده بود. وی پیش از دیدار با کنگرلو یا بعد از آن با ماموران سیا دیدار و درباره امکان ایجاد رابطه میان ایران و آمریکا با آنها گفت و گو کرد. بنا به گزارش کمیسیون تاور: «منوچهر قربانی فر که بعدها به یکی از چهره های اصلی میانجی میان ایران و آمریکا شد و به کانال اول شهرت داشت با مامورین سیا ملاقات کرد و پیشنهاد ارائه اطلاعاتی پیرامون ربوده شدن "ویلیام باکلی" و ادعای توطئه ترور کاندیداهای ریاست جمهوری را داد. سیا با قربانی فر از 1980 ارتباط داشت ...» (The Iran- contra-p383)

در حالی که روند این ارتباط در اسناد و گزارش های منتشر شده روشن نیست، گزارشی در باره برقراری یک ارتباط دیگر توسط قربانی فر با تیمسار "منوچهر هاشمی" رئیس اداره هشتم ساواک که بعد از پیروزی انقلاب با مسئولان نخست وزیری در جهت راه اندازی اداره مبارزه با جاسوسی همکاری داشت و "تئودور شیکلی" Theodore Shackly) از ماموران سابق سیا در هامبورگ آلمان در دست است. ظاهراً قربانی فر برای اطمینان بیشتر از برقراری رابطه و فروش سلاح علاوه بر ارتباط با "کنگرلو" در پی برقراری رابطه دیگری نیز بوده است. اما این رابطه با پاسخ منفی وزارت خارجه آمریکا روبه رو شد. بنا به گزارش تاور: "قربانی فر اظهار داشت که ایران تمایل دارد بعضی از تجهیزات متعلق به شوروی که از عراق به غنیمت گرفته شده است را با موشک های تاو TOW معاوضه کند. او همچنین پیشنهاد خرید تجهیزات نظامی مورد نظر ایران به صورت نقدی را مطرح کرد... وزارت خارجه آمریکا از طریق "شیکلی" پاسخ داد که متشکریم ما این کار را از طریق کانال های خود انجام خواهیم داد." (همان منبع 385) در همین حال در جراید اعلام شد که دیوان عالی آمریکا دادخواست ضبط سی و پنج میلیارد دلاری اموال شاه در آمریکا را رد کرد. (اطلاعات 63/10/19) یک ماه بعد از آن هم ابتدا آمریکا ایران را در صدر لیست حامیان تروریسم قرار داد و فردای آن روز نیز حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور ایران گفت: آمریکا را رژیم تروریستی می دانیم. (اطلاعات 63/11/24)

در همین حال یک هفته بعد از ربوده شدن یک فروند هواپیمای مسافربری خطوط هوایی TWA و تلاش محرمانه ایران برای نجات هواپیما و مسافران آن موجب شد تا "ویلیام کیسی" رئیس "سیا" از دریافت پیشنهادی از سوی ایران برای تشکیل یک جلسه و

دریافت سلاح از آمریکا آگاه شود. اما این درخواست که از سوی قربانی‌فر و کنگرلو ارائه شده بود بدون پاسخ ماند. (The Iran-contra-391)

به دنبال به درازا کشیدن ماجرای TWA رهبر ایران در یک سخنرانی عمومی اعلام داشت: "اگر قرار باشد ایران ربودن هواپیمای آمریکایی را محکوم کند باید قبلاً اقداماتی که آمریکا و اسرائیل در جنوب لبنان، بیروت و طرابلس انجام داده را محکوم کند. بهترین راه حل بحران بونینگ آمریکا آزادی شیعیان بازداشت شده در اسرائیل است وگرنه اعمال زور نتیجه نخواهد داشت." (اطلاعات 64/4/4) و چهار روز بعد از آن هم هاشمی رفسنجانی اعلام داشت که: "ما طرف گروگان‌گیری را نمی‌شناسیم و نمی‌دانیم چه کسانی هستند و تا چه مقدار حاضرند که با طرف دیگر کنار بیایند." (اطلاعات 64/4/8)

اما سرانجام در 17 تیر ملاقاتی در هامبورگ آلمان میان دو طرف برگزار شد. در این جلسه از سوی ایران "حسن کروب‌بی" و از سوی آمریکا "مایکل لدین" معاون "مک فارلین" مشاور امنیت ملی آمریکا با حضور قربانی‌فر دیدار و درباره مبادله موشک‌های TOW مورد نیاز ایران با گروگان‌های آمریکایی در لبنان مذاکره شد. (The Iran-contra-391)

جلسه بعد در این باره روز 13 شهریور در پاریس برگزار شد و در 24 شهریور دومین محموله موشک‌های TOW شامل 408 موشک به ایران تحویل شد و در همین روز "بنیامین ویر" که از 8 مه 1984 در لبنان در اسارت بود آزاد شد. (منبع پیشین ص 393) فردای آن روز هم ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه آمریکا در جلسه کمیسیون روابط خارجی سنا آمریکا به طور تلویحی تجاوز عراق به ایران را تأیید کرد (اطلاعات 64/6/25)

با این حال و بهرغم چنین مواضعی مشخص نیست که چه اتفاقاتی میان دو طرف از اواخر شهریور تا اواخر مهر رخ داد که میر حسین موسوی نخست وزیر ایران در اوایل آبان گفت: "ما با شما خیلی صبور بوده ایم، ما با شما با صداقت رفتار کردیم. ما هرکاری که گفته بودیم انجام می‌دهیم، انجام دادیم اما شما ما را گول می‌زنید و به مسخره می‌گیرید. ممکن است خواهش کنیم که آنچه را که گفته‌اید انجام می‌دهید انجام دهید." (The TOWER commission Report-p158)

به دنبال این اظهارات در جلسه‌ای در 5 آبان مساله مبادله گروگان‌های آمریکایی با سلاح‌های مورد نیاز ایران میان نمایندگان دو طرف مطرح شد. "مایکل لدین"، "یعقوب

نیمرودی" ، "آدلف شوایمر" و "منوچهر قربانی‌فر" از جمله حاضران در جلسه بودند ولی از نمایندگان ایران حاضر در جلسه و نیز محل برگزاری جلسه حرفی به میان نیامد. "رابرت مک فارلین" مشاور امنیت ملی کاخ سفید در 12 آبان ، "ویلیام کیسی" رئیس سیا و در 27 آبان "رونالد ریگان" را در جریان توافقات انجام شده وارسال سلاح به ایران قرار داد.

بعد از این دیدارها در 4 آذر، "جان پویند دکستر" "ریگان" را از تحویل موشک های هاوک مورد درخواست ایران آگاه کرد و ده روز بعد از آن گزارش تهیه شده برای ریگان در خصوص واگذاری 3300 موشک تاو و 50 موشک هاوک به ایران را تسلیم وی کرد. به دنبال آن در دوم و شانزدهم بهمن در لندن و فرانکفورت میان نمایندگان دو کشور برگزار شد. در فرانکفورت، "اولیور نورث" ، "ریچارد سکورد"، "آمیرام نیر" معاون نظامی "شیمون پرز" نخست وزیر اسرائیل (به عنوان مقام آمریکایی) با قربانی‌فر و با نمایندگان ایران دیدار و گفت‌وگو کردند. در این جلسه "نورث" به هیات ایرانی گفت: "ما خیال کلاه گذاشتن بر سر شما نداریم و هیچده موشک هاوک را که از رده خارج بوده و به اشتباه به ایران تحویل داده بودیم باز گردانده و هزار موشک تاو به شما تحویل خواهیم داد." (The TOWER-245) دوازده روز بعد 500 موشک تاو از پایگاه هوایی "کلی" برای حمل به ایران بارگیری شد .

در دیدار بعدی "کنگرلو" و "اولیور نورث" در فرانکفورت در اواسط اسفند 64 ، "نورث" بر آزادی گروگان‌های آمریکایی و "کنگرلو" بر تحویل موشک های فونیکس به ایران پافشاری کردند. (The Iran-contra-307)

در 27 فروردین 1365، "جان پویندکستر" و "اولیور نورث" در دیدار با "قربانی‌فر" به وی اطلاع دادند که مک فارلین روز 25 مه (4 خرداد) در راس هیاتی به ایران خواهد رفت. در روز 16 اردیبهشت "نورث"، "آمیرام نیر" و "جرج کیو" در لندن با "قربانی‌فر" دیدار کردند . در خلال جلسه "کیو" با یکی از مقامات در دفتر نخست وزیر ایران با تلفن گفت وگو کرد و پس از پایان آن به اعضای جلسه گفت: "هیات آمریکایی در تهران با رئیس جمهور، نخست وزیر و شاید رئیس مجلس دیدار خواهند کرد." (پیشین ص 399)

در پی این برنامه ریزی ، قربانی‌فر روز اول خرداد راهی تهران شد و همزمان با آن برنامه ریزی برای آزادی گروگانهای غربی به عمل آمد . در همین رابطه روزنامه اطلاعات در روز ورود مک فارلین به تهران بدون اشاره ای به این سفر به نقل از دو

روزنامه الشراعو السفير خبر از آزادی قریب الوقوع شماری از گروگان های آمریکایی و فرانسوی خبر داد (اطلاعات 1365/3/4)

همچنین بیمارستان نظامی مربوط برای معاینه آنها در آلمان به حال آماده باش درآمد و نیز تیم مامور بازجویی از گروگان ها و خانواده گروگان ها عازم آلمان شدند .

4 خرداد 1365 رابرت مک فارلین مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا با نام مستعار "شون دولین" (shean devlin) در راس یک هیات پنج نفره وارد فرودگاه مهرآباد تهران شد . در فرودگاه "محسن کنگرلو" و چند تن دیگر به استقبال آنها آمده بودند و آنها را تا هتل استقلال تهران همراهی کردند.

"مک فارلین" به همراه خود یک محموله موشک های زمین به هوای هاوک نیز به تهران برد. استقبال سرد از هیات آمریکایی در فرودگاه موجب ناراحتی مک فارلین شد. چرا که از مقامات ارشد ایرانی کسی به استقبال نیامده بود. "به گزارش نشریه داخلی اداره سیاسی سپاه در اولین دور مذاکرات مک فارلین در تهران که دوساعت به طول انجامید وی حضور خود در ایران را به منظور ایجاد پل ارتباطی بین دو کشور اعلام و آمادگی دولت متبوعش برای تامین برخی اقلام مورد نیاز ایران بیان کرد. جلسه دوم نیم ساعت به طول انجامید و مک فارلین از این که در سطح یک وزیر با وی برخورد نشده است و مقامات بلندپایه ایران به دیدارش نیامده اند ابراز نارضایتی کرد و جلسه سوم با حضور بدون حضور "مک فارلین" برگزار شد که شش ساعت به طول انجامید و نتیجه ای هم در برنداشت (روزنامه جوان 88/8/11) بنا به گفته "کنگرلو" از طرف ایران به جز خود وی دکتر "محمدعلی هادی" با "مک فارلین دیدار کرد. او درباره حضور "حسن روحانی"، "وردی نژاد" و فردی به نام "وحیدی" در مذاکرات می گوید من روحانی را ندیدم و درباره وحیدی و وردی نژاد هم سکوت می کند. (شرق 93/3/4) به گفته کنگرلو مک فارلین عجله کرد و مذاکرات نیمه تمام ماند و آمریکایی ها که علاوه بر موشک های تاو بیش از 110 هزار قطعه مورد نیاز ایران را با خود به ایران آورده بودند ایران را ترک کردند.(روزنامه جمهوری اسلامی 93/10/29)

موضوع سفر مک فارلین تا آبان ماه مخفی باقی ماند . در 11 آبان روزنامه لبنانی الشراع طی گزارشی سفر مک فارلین به تهران را منتشر کرد .پنج روز بعد هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه درباره سفر مک فارلین و هیات همراه به ایران چنین گفت: «وی با اشاره به اینکه از مدتها پیش آمریکاییها درصدد جبران اشتباهات گذشته خود بوده و قصد مذاکره با ایران را داشته اند گفت: حل مسئله هواپیمای «تی دبلو ای در لبنان مسئله ای بود که سوریه از ما درخواست کرد و آنها میخواستند که ایران بپذیرد که با آمریکا حرف بزند.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تاکید کرد: من بطور جدی معتقدم که امریکائیه‌ها میخواهند از گروگانهای لبنان به عنوان وسیله اصلاح اشتباهات گذشته خود استفاده کنند و تنها مسئله آزادی چند نفر نیست.

وی در همین ارتباط نامه نخست وزیر ژاپن و پاسخ به آن را به عنوان سندی تاریخی در مورد گروگانها توصیف کرد و آنرا نشان عظمت و قدرت جمهوری اسلامی دانست. امام جمعه موقت تهران همچنین یادآور شد: آمریکا می داند مهمترین راه رسیدن به گروگانها برای آمریکا خود گروگانگیرها هستند و باید خواست های آنان را برآورد و این بسیار آسانتر از برآوردن خواستهای ما که آزاد کردن پولها و اموال ما در آمریکا است می باشد ولی می بینیم که آمریکا از مساله گروگانها می خواهد به جمهوری اسلامی ایران برسد و این نشانه باخت آنها و برد ماست.

رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به سخنان اخیر «الکساندر هیگ وزیر خارجه سابق آمریکا که گفته است آمریکا با قبول قدرت اول بودن ایران در منطقه نمایندگانش را به ایران گسیل داشته این کار را نشانه پذیرش شکست ناپذیری جمهوری اسلامی ایران و پیروزی ایران در جنگ از سوی آمریکا دانست و گفت: بنابراین این ریسکی که امریکائیه‌ها کردند و بدون جلب موافقت ما مقامات بالایشان را وارد یک کشور بطور غیر قانونی کردند باید دارای هدفی بسیار با ارزش باشد تا اینقدر اینها برای نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران پیش رفته اند. مجموعه گزارشاتی که ماموران امنیتی ما داده اند نشان می دهد که وحشت عجیبی آنان را در هتل فرا گرفته بود این نشان میدهد که تجدید رابطه با ما چقدر برای آنان اهمیت دارد. رئیس مجلس شورای اسلامی آنگاه در مورد هیاهو در مورد دریافت اسلحه اسرائیلی از سوی ایران گفت: یکی از حربه‌های کهنه و زنگ زده که هر وقت ما پیروز شده ایم بکار برده اند مساله دریافت اسلحه اسرائیلی از سوی ایران است.

آخر ما چی لازم داریم که از اسرائیل بگیریم؟ در جنگ مساله ای نداریم که ما اصول خود را فدای دریافت اسلحه بکنیم کل اعتباری که با سخاوتمندی بسیاری برای خرید اسلحه و ملزومات ساخت آن در داخل تصویب کرده ایم معادل ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار است که صرف خرید اسلحه و مواد خام آن میکنیم و ارزش کل اسلحه ای که می خریم شاید به ۱/۵ میلیارد دلار نمی رسد و اسلحه ای که ما بکار می بریم الزاما از نوعی نیست که فقط در انحصار آمریکا باشد.

علاوه بر این فروشندگان اسلحه برای فروش به ما مسابقه گذاشته اند. از طرف دیگر ما عمده اسلحه خود را در داخل می سازیم. وی افزود: مگر ممکن است اسرائیل که این همه بغض با ما دارد و ما را رقیب اصلی خود در لبنان میدانند به ما اسلحه بدهد؟! اصولا جنگ اصلی ما با اسرائیل است و عمده اختلاف ما با عراق هم مربوط می شود به ممانعت عراق از جنگ ما با اسرائیل

امام جمعه موقت تهران با یادآوری این که برخی از سلاحهای ما مانند هواپیماها در انحصار آمریکا است خاطر نشان ساخت که ما قطعات این سلاحها را از منابع مختلف و از دلالهای دنیا گاهی ارزانتر و گاهی گرانتر خریداری می کنیم. ولی حتی اگر

هوایماهای ما هم بخوابد، حاضر نیستیم از اسرائیل قطعه ای بگیریم امام جمعه موقت تهران در همین رابطه فرمایش حضرت امام مبنی بر این که «تا وقتی که آمریکا آدم نشود ما با آمریکا رابطه برقرار نمی کنیم» را راهنمای سیاست خارجی کشور ما توصیف کرد. وی با یادآوری سخنان اخیر قائم مقام رهبری حضرت آیت الله العظمی منتظری در همین مورد، تاکید کرد: تا هنگامی که آمریکا اسرائیل را حمایت میکند ما آمریکا را همین شیطان بزرگ میبینیم و دشمنی ما با آمریکا به قوت خود باقی است و تا این جنایات اسرائیل در لبنان و جنایات آمریکا در منطقه باقی است با آمریکا رابطه برقرار نمی کنیم و از اصول خود عدول نمی کنیم. وقتی که مردم آمریکا دولتی را بر سر کار آورند که نخواهند با دنیا رابطه گرگ و میشی برقرار کنند. ما هم با آنان مانند دیگران رفتار می کنیم و سیاست خارجی ما در رابطه با کشورهای دنیا مبتنی بر همین راه اصولی است. و منطق ما هم روشن است. ما معتقدیم اسرائیل با کمک آمریکا فلسطین را اشغال کرده و در مقابل یک میلیارد مسلمانان جهان ایستاده است و با سیاست آمریکا است که دولتهای عربی به این حالت رکود افتاده اند. آقای هاشمی رفسنجانی در مورد گروگانهای لبنانی گفت: در رابطه با گروگانهای لبنان هم با آن سند تاریخی ثابت کردیم که ما هیچ مسئولیتی در رابطه با آن گروگانها نداریم در آنجا مردم مظلوم لبنان گروگان گرفته اند. مردم لبنان چکاری غیر از این میتوانند بکنند؟ وی خطاب به آمریکا گفت در شرایطی که شما و وابستگان شما این همه در لبنان شرارت میکنند و کشورشان را مثل گوشت قربانی قطعه قطعه کرده اید، اسرائیل هر روز حمله میکند فالانژها شرارت می کنند و خود شما در آنجا نیرو پیاده کردید مردم مظلوم لبنان چکار میتوانند بکنند؟ آنها دلشان می خواهد که از حق خودشان دفاع بکنند و شما می خواهید به حق آنها تعرض بکنید. خوب آنها میروند و افراد شما را میگیرند و می برند، نگاه می دارند و میگویند شما زندانیان ما را بدهید. شما این کار را ترورسم معرفی می کنید. ما این حرکت مردم لبنان را حق می دانیم مگر این که شما دست از سر لبنان بردارید. زندانیان لبنانی را آزاد کنید. اسرائیل زندانیان لبنانی را آزاد کند و بگذارید مردم لبنان کار خودشان را بکنند. (اطلاعات ۱۷/۸/۶۵).

در حالی که روایت "هاشمی رفسنجانی" از سفر مک فارلین به تهران با آن چه طرف های آمریکایی و نیز روایتی که سال ها بعد از سوی "محسن هاشمی رفسنجانی" در کتابی که درباره این سفر منتشر شد متفاوت بود، چهار روز بعد بار دیگر "اولیور نورث" و هیات آمریکایی با هیات ایرانی در ژنو دیدار و گفت و گو کردند. دیداری که در 22 آذر ماه در فرانکفورت تکرار شد و این بار "جرج کیو" با هیات ایرانی گفت و گو کرد.

بنا به گزارش هاشمی رفسنجانی از بعد از سفر مک فارلین، کانال جدیدی در مذاکرات دو کشور باز شد که از کانال قبلی متفاوت بود و به کانال دوم مشهور شد. کانال دوم در جریان سفر "علی هاشمی" برادرزاده هاشمی رفسنجانی در بروکسل پایتخت بلژیک ایجاد شد. در حالی که علی هاشمی تماس آمریکایی با وی را در جریان سفروی برای

درمان بیماری چشم عنوان می کند و گزارش آن را هم برای عموی خود بازگو کرده بود ، "محسن رضایی" فرمانده وقت سپاه پاسداران ایجاد کانال دوم را به دلیل عدم اعتماد ایشان و همفکرانشان به کانال اول عنوان می کند.

افشای خبر مذاکرات هیجده ماهه ایران و آمریکا و به ویژه سفر مک فارلین به تهران و اختصاص پول فروش سلاح به ایران برای کمک به ضد انقلابیون نیکاراگوا سر و صدای فراوانی ایجاد کرد و دولت ریگان را تحت فشار زیادی قرار داد. این ماجرا به ماجرای "ایران-کنترا" و "رسوایی ایران -گیت" مشهور شد. مک فارلین بعد از این رسوایی دست به خودکشی زد.

دولت ریگان در جریان این مساله از یک سو به دلیل مذاکرات پنهانی با مقامات ایران و از سوی دیگر به دلیل ارسال پول و سلاح به کنترها در نیکاراگوا از سوی مخالفان خود در کنگره به شدت تحت فشار قرار گرفت. چند روز بعد از افشای سفر مک فارلین ، ریگان در سخنانی گفت: "ما به مدت هجده ماه در رابطه با ایران یک طرح دیپلماتیک سری داشتیم. این طرح به این دلایل انجام شد: تجدید رابطه با ایران، پایان دادن به جنگ ایران و عراق، از بین بردن تروریسم دولتی و خرابکاری و تسریع بازگشت سالم گروگانها(اطلاعات 65/8/24) در همان روز، روزنامه های ایران سخنان حجت الاسلام خامنه ای ریاست جمهور ایران را به چاپ رساندند که سخنان ریگان را این چنین پاسخ داد: "تماس آمریکا با مقامات ایران در هجده ماه گذشته صحت ندارد و شاید آنها مذاکره با دلال های اسلحه را تماس با مقامات ایران قلمداد می کنند ... ما حق خود را می خواهیم و سلاح هایی را که چندسال است در انبارهای آمریکا به ناحق نگاه داشته اند از آمریکا می خواهیم ... آمریکا بسیار مایل است که با شروع مذاکرات فریاد حق طلبانه ملتی را خاموش کند و سفر یک مقام دولتی آمریکا به ایران آن هم به طور قاچاق از همین مساله نشأت می گیرد . (اطلاعات همان تاریخ)

از اواخر آذر 1365 و به دنبال دیدار جرج کیو مامور پیشین سیا با اعضای هیات ایرانی در فرانکفورت ، آمریکایی ها اعلام داشتند که دیگر سلاح به ایران ارسال نخواهند کرد(The Iran-contra-401)

از آن زمان به بعد روابط ایران حداقل برای یک دهه در کانال دیگری قرار گرفت و ایران مجبور به تهیه تجهیزات مورد نیاز خود به طور غیر مستقیم و از طریق دلالان اسلحه شد.

تا پایان جنگ ایران و عراق درگیری های مودی میان هواپیماها و کشتی های جنگی ایران و نیروهای نظامی آمریکا که در خلیج فارس حضور داشتند رخ داد که حمله به نفتکش بریجستوندر 2 مرداد 1366، سقوط یک هلی کوپتر آمریکایی در

9 مرداد ، برخورد نفتکش غول پیکر تکزاکو کابین در 30 مرداد ، حمله هلی کوپتر آمریکایی به کشتی ایران اجر در 30 شهریور ، حمله آمریکایی ها به چند قایق سپاه پاسداران در 16 مهر ، حمله کشتی های جنگی آمریکایی به سکوها ی نفتی ایران در 27 مهر از جمله مهمترین آنها بود.